در میان نقوش مینیاتور ایرانی، نقش زنی در حال آبتنی کنار چشمه در حالی که مردی در حال نگاه کردن به اوست، تصویری محبوب بوده است. شخصیت هایی که در این نقوش به تصویر کشیده می شدند، ملکه شیرین و همسر او خسرو دوم، شاه ایران بودند. انگارۀ محبوب دیگر در خصوص افسانۀ «خسرو وشیرین»، مجلس نگریستن شیرین به تصویری از خسرو و عاشق شدن او بوده است. گفته می شود روابط این دو به تدریج در سال های بعد تبدیل به مثلث عشقی شده است. فرهاد صنعتگر نیز عاشق شیرین می شود، و شیرین به او دستور می دهد کانالی را از میان کوه به دربار او حفر کند. نگارگران و همچنین نظامی شاعر و جغرافیدانان عرب، نقش برجستۀ سنگی متعلق به اواخر ایران باستان در نزدیکی شهر کرمانشاه را به این افسانه نسبت داده اند. این نقش برجسته، سوارکاری را روی اسب نشان می دهد که شاه و ایزدی که او را دراین مقام گماشته، بالای سر او دیده می شوند. تصویر یک زن کنار این دو فرد دیده می شود که یک الهۀ زرتشتی است و برخلاف باور نویسندگان اسلامی، ارتباطی با ملکه شیرین ندارد. در نتیجه، این نقش برجستۀ شگفت انگیز، منبع الهام شاخ و برگ دادن به حماسه ای بود که به طور گسترده در ادبیات فارسی و ترکی مورد استفاده قرار می گرفت.

در قرن دوازدهم میلادی داستان های عاشقانه ای مملو از الگوهایی با چهره هایی از دوران کهن وجود داشت. سنت شعرسرایی اسلامی عمدتا پیشینۀ مسیحی این ملکه را نادیده گرفت و شیرین، که عضوی از کلیسای سریانی شرق بود، به شیرین «ارمنی» تبدیل شد. این داستان حماسی عاشقانه نه تنها از ایران تا عثمانی گسترش یافت، بلکه به هند و ازبکستان و همچنین به کشور مسیحی گرجستان نیز رسید. تا کنون هیچ تلاشی برای درک پیشینۀ تاریخی این افسانه صورت نگرفته است. این کتاب قبل از هرچیز سعی در تحلیل ریشه های تاریخی داستان شیرین دارد که مشتمل بر چهار فصل است:

فصل اول: ایران در اواخر عهد باستان

فصل دوم: خسرو و شیرین: زوج سلطنتی

فصل سوم: افسانۀ شیرین در هنر و ادبیات

فصل چهارم: کشف مجدد شیرین